

یادداشت

سینمای کلاسیک و انسان معاصر
سرگرمی VS سرگیجه



علیرضا خباززاده رضایی
دانشجوی فلسفه

بسیاری کسان عقیده دارند سینمای کلاسیک به مسائل و عناصری می‌پرداخت که انسان معاصر دیگر با آنها نسبتی ندارد و نمی‌تواند با این گونه فیلم‌ها ارتباط برقرار کند، اما مصادیق بسیاری در سینمای کلاسیک وجود دارد که با گذشت زمان با انسان امروز ارتباط بیشتری پیدا کرده و هرچه از ساخت آن گذشته فهم بهتری از آن پیدا شده است. مثلاً هرچه از ساخت «سرگیجه» اثر آلفرد هیچکاک می‌گذرد، بهتر دیده و فهمیده می‌شود. هیچکاک در گفت‌وگویی با فرانسوا تروفو در ۱۹۶۲ گفت که فیلم «سرگیجه» برای او یک «شکست» بود، اما با گذشت زمان این شکست به موفقیت تبدیل شد. در سال ۱۹۸۲ در نظر سنجی سایت اندساوند (که هر ۱۰ سال یک‌بار انجام می‌شود) سرگیجه رتبه هفتم را به‌دست آورد. سال ۱۹۹۲ در رتبه چهارم و در سال ۲۰۰۲ در رتبه دوم قرار گرفت و پایین‌تر از «همشهری کین»، نهایتاً در ۲۰۱۲ از همشهری کین هم پیش افتاد و در ابتدای این فهرست قرار گرفت.

هرچه بیشتر می‌گذرد ما از جهان پیرامون مان فریب بیشتری می‌خوریم و بازچه واقعیت‌هایی ساختگی و مصنوعی می‌شویم و به اتفاقی دچار می‌آییم که برای اسکانی در سرگیجه رخ داد. اسکانی فریب واقعیتی را می‌خورد که گرچه ظاهری است ولی در نظرگاه او چنان جلوه واقعی و عینی یافته که او آن را امری واقعی می‌انگارد، حتی پس از مرگ مادالین، او مجدداً در پی بازسازی واقعیتی است که ما محصل فریب و دروغ و اصلاً واقعیتی ساختگی بوده است. این مساله‌ای است که امروزه ما نیز به آن دچاریم و برابمان رخ می‌دهد، مخصوصاً زمانی که اکثر اوقات زندگی خود را وقف شبکه‌های اجتماعی می‌کنیم، در واقع همان اشتباه اسکانی را تکرار می‌کنیم و به فریبی که او خورد، دچار می‌شویم. این فریب و واقعیت ساختگی گاه ازسوی افراد، گاه رسانه‌ها، گاهی یک معشوقه و گاهی حاصل محصولات است. این مساله شاید یکی از مباحث درون فیلم سرگیجه باشد که به واسطه آن، انسان معاصر می‌تواند با شخصیت اصلی فیلم همذات‌پنداری کند و اتفاقی را که برای او رخ می‌دهد در زندگی خود و اطرافیانش بیابد تا علتی باشد بر اینکه پس از سال‌ها از ساخت آن فیلم همچنان طرفدارانش از گذشته بیشتر شود.

اما چرا ما انسان‌ها در این روزگار موهومات و فریب‌ها را انتخاب کرده‌ایم و آنان را واقعی پنداشته‌ایم؟ به گمان نیچمه، این موهومات ویژگی‌هایی دارند که آنها را برای انسان پذیرفتنی کرده است و به همین سبب انسان‌ها بر آنها لباس حقیقت پوشانده‌اند. این موهومات برای زندگی انسان سودمندند و انسان‌ها به دلیل سودمندی و کارآمدی آنها در نزاع برای بقای نوع بشر و اراده مطوف به قدرت‌شان، آنها را حقیقت شمرده‌اند. این اقتضای زندگی امروزی انسانی است که موجب حقیقی شمرده شدن بعضی مسائل شده است، نه اقتضای طبیعت و ماهیت مسائل، معرفت‌ها و دانش‌ها. حقیقت‌جویی انسان معاصر در امتداد خواست قدرت او قرار گرفته یا جلوه‌ای از آن است و انسان تنها برای برپایی اجتماع یا نبل به اغراض و اهداف خود، در مقام حقیقت‌جویی برمی‌آید. اکنون و با در بحران افتادن ظواهر عالم جدید است که گنه ذات آن آشکار می‌شود و بعضی آثار کلاسیک که در زمان خود بدبینی به‌نظر می‌آمدند یا فهم آنها دشوارتر بود، اکنون با تجربه زیسته این‌ها بشر نزدیک‌ترند و این درحالی است که سینمای امروز در هزارتوی تکنیک و جلوه‌های ویژه و سودای سرگرمی‌سازی، شاید به‌دشواری می‌تواند آن تجربه ساده و آشنا را روایت کند.

اندیشه

مروری انتقادی بر ایده‌های تفسیری میلاد دخانچی

آفات شرق‌شناسی و آداب استنطاق

رسیده که کیستی «راسخون در علم» کلیدی‌ترین مساله حل‌شده الهیاتی تاریخ معاصر ماست و تأویل قرآن را وظیفه رسوخ‌کنندگان در دانش می‌داند؛ آنها را کسانی می‌داند که با تسلط بر علم به باطن قرآن برسند. درحالی که این سخن دقیق نیست. علامه طباطبایی بین «اولوالالباب» و «راسخان در علم» فرق می‌گذارد و دخانچی متوجه این تفاوت نیست. حتی در مورد عاطفه یا استیغافیه بودن او و در راسخون هم بحثی نمی‌کند و به‌سادگی می‌گوید قرآن در آیه ۷ سوره آل عمران «راسخون فی‌العلم» را مجاز برای تأویل می‌شمارد. راسخون در علم قبل از اینکه به مقام تسلط بر علم برسند، به جهل و فقر علمی اعتراف می‌کنند و از راه این عرض نیاز، به دنبال کسب علم هستند. این اشتباه وقتی او آیه دیگری را شاهد می‌آورد، همچنان ادامه پیدا می‌کند؛ آنجا که می‌گوید راسخون در علم در مورد یهودیان هم بیان شده است پس حتی مسلمانانی، شرط راسخ بودن نیست، اما اولاً گفته شد راسخون مانند اولوالالباب نیست که همیشه متذکر ام‌الکتاب باشد و ثانیاً تعبیر الراسخون فی‌العلم منْهُمْ (نساء: ۱۶۴) در ابتدا به معنی راسخون در قرآن نیست بلکه از این جهت سخن از علم است که در اینجا این تعبیر بر کتاب مقدس خود یهودیان منطبق می‌شود و منظور این است که از راسخون در علم اگر در کتاب خود راسخ باشند به قرآن هم می‌رسند و به آن ایمان می‌آورند. خلاصه اینکه صفت اعتراف به جهل، ویژگی مهمی در راسخون است که منجر می‌شود از همین طریق غیرمعصومین هم راهی به درک قرآن بیابند. دخانچی برای تبیین مساله راسخون وارد موضوع اساسی و بنیادین «محکم و متشابه» می‌شود و شاید اگر محکم و متشابه را نسبی می‌دانست بهتر بحث را پیش می‌برد ولی ظاهراً متوجه این نکته نیست. اینکه او محکم و متشابه امر مردانه و زنانی می‌شود. شاید درست باشد به شرط اینکه بتواند مطلبش را تفصیل دهد.



مثلاً معنای محکمت این نیست که آنها آیات ساده و بدون پیچیدگی هستند، بلکه آیاتی چند لایه‌اند که در لایه اول مخاطب را از سردرگمی خارج می‌کنند. برای درک این نکته باید معنای تأویل در نظر علامه طباطبایی را بررسی کنیم که آن را حقیقتی خارجی می‌داند که از جنس الفاظ نیستند پس به این جهت است که علامه می‌گوید علاوه بر مشابهات، محکمت هم تأویل دارند. تأویل داشتن محکمت نظریه علامه طباطبایی است که باید بیشتر مدنظر قرار گیرد.

دخانچی معتقد است اداره استیت می‌تواند از اداره ملک هستی الهام بگیرد. این ایده کلی، قابل مناقشه است. آیا از تقدیر الهی در خلقت می‌توان لزوم تقدیر در مدیریت جامعه را به شکل مشابه نتیجه گرفت؟ آیا ملک همان استیت است؟ قواعد خلقت همیشه برای تقلید نیستند بلکه اصولاً برای تسلیم‌اند. مثلاً او از نفی فرزند برای خدا نفی حکومت مروونی را نتیجه می‌گیرد که به نظر نمی‌رسد این دو مطلب به هم ربطی داشته باشند. نفی فرزند برای خدا برای اثبات احدیت و صمدیت اوست تا همه عبد خداوند باشند.

مورد دیگر اینکه او مساله تقدیر در خلقت را به علم آمار در دولت مدرن ربط می‌دهد، درحالی که نباید تشبیه به خدا و تقلید از خدا ما را به دام خدا انگاری انسان بیندازد. بسیاری قواعد خلقت برای این نیست که ما مانند خدا عمل کنیم بلکه باید بنده‌وار مواجعه عبادی با آن داشته باشیم. البته خود او در جایی دیگر متوجه است که اگر پیامبر State داشت، بحث عاملیت و اراده و اختیار از بین می‌رفت. یعنی همیشه استیت نباید شبیه خدا عمل کند، بنابراین لزوم است ملاک الهام از ملک در اداره دولت روشن شود.

دخانچی دانش آموخته حوزه یا الهیات نیست. لحن شرقی‌شناسانه در کلامش قابل ردیابی است و لحن تفسیری اش گاه ساده و دم‌دستی به‌نظر می‌رسد و خودش هم می‌گوید که می‌داند گاهی حرف‌هایش کار یک‌نازوری می‌شود. گفته شد پرسشگری و گفت‌وگویی دخانچی با قرآن در دام تفسیر به رای لغزیده است. همچنین تفسیر او از آیات گاه



بدون دقت در سیاق است. مثلاً «احسن تفسیر» را شاهدی می‌گیرد بر اینکه با پرسش و شبیه، متن بهتر تفسیر می‌شود، درحالی که این آیه ادامه پاسخ به این شبهه است که چرا قرآن نزول دفعی واحد نداشت و خداوند می‌گوید در هر بار مثلی تازه می‌آوریم که همراه است با تفسیر احسن. پس این آیه حکمت مثل آوری و تدریج را تفسیر احسن دانسته است نه اینکه اساساً دیاکتیک با پرسش‌ها و شبهات را موجب درک بهتر دانسته و تفسیر احسن بنامد.

دخانچی (شاید به اقتضای اندیشه‌چپ نومسلمان) اصطلاح عاملیت را زیاد به کار می‌برد و منظور او اختیار و آزادی انسان در عمل است؛ چیزی که بسیار مورد تأکید و تکرار اوست. بر این اساس به‌درستی بر نقش آزادی انسان بر اساس قرآن تأکید می‌کنند ولی آنجا که نتیجه می‌گیرد تفسیر استعاره شبان و گله با عاملیت انسان در تضاد است، گویی هنوز درک درستی از این مساله ندارد. استعاره شبان (چنانچه کار بسیاری از انبیاء شبانی بود) اشاره به بحث ولایت ولی بر مومنین دارد و اهمیت تسلیم و عبد بودن را می‌رساند و این مطلب باید در قاعده امر بین‌الامرین و میان‌جبر و اختیار درک شود.

برخی اجمال‌های دخانچی تا وقتی اجمالی‌اند، صحیح‌اند ولی باید تفصیل‌شان روشن شود. مانند این مطلب که بازار فی‌نفسه امر مذمومی نیست یا اینکه قرآن کتابی ایدئولوژیک نیست. یا اینکه منظور از تأویل قرآن بر اساس علوم انسانی، پرسش‌های بیرونی است. در شرایط کنونی معمولاً این وظیفه را مستشرقان برعهده دارند، حال آنکه این وظیفه خود ماست. او اسلام‌پژوهی و نگاه از بیرون را (به‌نحو ضابطه‌مندانه لجام‌گسیخته) تأیید می‌کند می‌گوید: «آیا مفسران به‌نحوی شایسته با جهان‌مدرن آشنایی دارند؟ مفسران «ما»ی جمعی و دغدغه‌های ما را نمایندگی کند. «او معتقد است عاملیت مفسر و متن باید به توازن برسد، نه مفسر منفعل باشد و نه مفسر مصدره به‌مطلوب شود. اصل این دغدغه البته مفید است اما برای درک این مساله باید آفات شرق‌شناسی و آداب استنطاق، مورد بررسی قرار گیرد.

از پایگاه این قاعده می‌توان ادله‌ای در دفاع از دین‌حداکثری اقامه کرد به این نحو که:

۱. بیان برخی نکات در دسترس عقل انسان می‌تواند جهت تأکید بر مسائلی باشد که در قرب و بعد از خداوند اثر گذار است.
۲. مقتضای لطف عرضه دین کامل است. تصور امکان دین کامل‌تر به‌معنای آن است که خداوند می‌توانست به‌واسطه آن دین انسان را بیش از پیش به قرب طاعت نزدیک کند اما چنین نکرده و این خلاف قاعده لطف است. در نتیجه خداوند لازم است که در نهایت کامل‌ترین دین ممکن را ارسال کند. از طرف دیگر کامل‌ترین دین، جامع‌ترین نیز هست چراکه واگذاری برخی مسائل به عقل یا مجاهدت علمی زمینه‌غلتیدن انسان در خطا را فراهم می‌آورد.
۳. درهم‌تنیدگی ابعاد زندگی انسان موجب آن شده که نتوان هدایت را از علم، اجتماع و... تفکیک کرد بلکه همه عرصه‌های زندگی یا جلوه طاعت است یا جولانگاه عصبان. برای نمونه نمی‌شود ساده‌زیستی و زهد را به‌عنوان ارزش هدایتی که تأثیر در نزدیکی به خداوند دارد مطرح ساخت اما نظریه اقتصادی که تأمین این سبک از زندگی را برعهده دارد از حیثه دین خارج کرد یا نمی‌شود کسی نظم عالم را امری تأثیر گذار در هدایت بدانند اما نسبت به نظریه‌های زیست‌شناسی که ریشه نظم را در درون شیء می‌داند و نه در خلق منظم سسکوت انتخاب کرده و بیان دارد که این مساله از حیثه دین خارج است. در نتیجه مقتضای قاعده لطف ورود دین به همه عرصه‌های زندگی از جمله عرصه‌های علمی است ولو به‌نحو کلی.

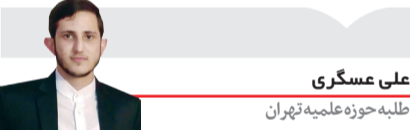
و عمل بر مودای آن حال آنکه دستگاه شناختی انسان برای یافتن چنین امر مهمی تا کافی بوده و در نتیجه خداوند لازم است با ارسال رسل، علم به سعادت و عمل بر آن را به ما آموزش دهد. حال سوال این است که با این تعریف از هدایت بسیاری ظرایف علمی و چه‌بسا اصولاً بسیاری دانش‌ها، عالم‌ها، جاهل بودن به آنها تأثیری در هدایت انسان نداشته باشد در نتیجه ورود دین به آنها از دو جهت لغو خواهد بود:

۱. این موضوعات اجنبی از هدف دین بوده و پرداخت به آنها هیچ تأثیری در برآورده کردن هدف دین ندارد.
 ۲. همان‌طور که گفته شد لزوم ارسال رسل ناشی از ضعف‌قوای ادراکی ما جهت فهم سعادت بود، اما این به‌معنای بی‌اعتبار دانستن همه فهم‌های انسان نیست. در واقع عقل انسان با مجاهدت می‌تواند به علوم یا حتی معارفی برسد، حال چه لزومی است که با وجود آنکه عقل با تامل به کشف واقع‌تواند رسید، وحی الهی اقدام به آموزش این مسائل کند؟ در نتیجه آموزش این مسائل لغو بوده و خلاف قاعده حکمت است.
- دفع شبهه‌مقدر: اشکالی که ممکن است در ذهن مطرح شود آن است که فرضاً انسان با یادگیری علومی همچون طب، شیمی، زیست و فیزیک می‌تواند نظم موجود عالم را بهتر شناخته و این امر موجب افزایش خضوع و اعتقاد انسان به خداوند می‌شود پس حداقل آموزش اصول کلی این علوم می‌تواند تأثیر در هدایت داشته‌باشد. در پاسخ می‌توان گفت که این مقصود صرفاً با مشاهده زیبایی‌ها و آراستگی‌ها و طبیعت، بدون نیاز به فهم دقیق علمی در بسیاری از مردم هرروزه برآورده می‌شود در نتیجه برای این خضوع لزومی به دقت‌های علمی عمیق نخواهد بود.

قاعده لطف و دین حداکثری

به بهانه منازعات پیرامون طب اسلامی

نقش حکمت و لطف الهی در قلمرو دین



انتظار بشر از دین، قلمرو دین و گستره شریعت، سه مبحث نظری است که نوع اتخاذ موضع در آن تأثیرات فراوان عملی به‌دنبال خواهد داشت. دو قاعده کهن لطف و حکمت که از دیرباز در نزد عالمان مسلمان مطرح بوده، از جمله مباحث موثر در این موضوع است که بر اساس هر کدام می‌توان از دو قرائت اعتدالی و حداکثری دفاع کرد. این بحث خصوصاً با منازعات پیرامون طب اسلامی بیش از پیش شایان توجه می‌تواند بود.

مبایذ تصویری مساله الف: قاعده لطف: قاعده لطف در بیان عالمان به‌معنای کاری است از جانب خدا که به‌وسیله آن مکلف به طاعت نزدیک و از معصیت دور می‌شود. در واقع طبق قاعده لطف بر خداوند است هر چیزی را که موجب بعد و قرب، از گناه و طاعت می‌شود به این جهت تعلیم دهد.

ب: قاعده حکمت: مراد از حکمت در اینجا عدم انجام فعل لغو است. در واقع یکی از اوصاف خداوند متعال حکیم است، حکیم در این وصف کسی است که لغو و بی‌بپوده

انجام نمی‌دهد و در نتیجه تمام کارهای وی دارای ثمره و دلیلی خواهد بود.

ج: دین حداکثری: دین حداکثری در مقابل دین حداقلی، قائل به دخالت دین در دنیا و آخرت، و همچنین قائل به دخالت دین در تمام ساحات وجودی انسان است. این قرائت حقیقتاً دین را تنبیهان برای همه‌چیزی می‌داند. حال این بیان می‌تواند طبق قرائت‌هایی به‌نحو جزئی باشد یا طبق قرائت‌هایی به‌نحو کلی یا صرفاً با بیان مقاصد باشد. اما نکته ملحوظ در این موضوع آن است که چیزی از قلمرو دین خارج نیست. **د: دین اعتدالی:** این قرائت از دین از طرفی دین را محدود در قلمرو اخلاق و آخرت نمی‌کند اما گستره آن را در همه‌چیز امتداد نمی‌دهد بلکه تبیین بودن آن را محدود به موضوع دین یعنی هدایت کرده و معتقد است دین اسلام بیان‌کننده همه امور در زمینه هدایت است.

محل نزاع: قاعده حکمت و دین اعتدالی
برای مشخص شدن محل نزاع لازم است که معنای هدایت در قرائت اعتدالی را بدانیم. علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان در تعریف هدایت چنین بیان می‌دارد: «هدایت، شناختن درست و صحیح هدف، انتخاب راه و طریق صحیح برای رسیدن به هدف و پایداری در مسیر است.» همان‌طور که ملاحظه شد هدایت یعنی شناخت راه سعادت

آگهی مناقصه

۱- مناقصه گذار: **دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس** به آدرس: بندرعباس، چهارراه نخل ناخدا، خیابان دانشگاه...، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

۲- **موضوع مناقصه:** خرید تجهیزات و نصب سیستم نظارت تصویری (دوربین مدار بسته)

۳- **مبلغ و نوع تضمین:** هفتصد و پنجاه میلیون ریال واریز نقدی به شماره حساب ۰۱۰۵۹۳۶۱۳۲۰۸ بانک ملی یا ضمانت‌نامه بانکی با اعتبار حداقل سه ماه.

۴- **قیمت فروش اسناد:** پانصد هزار ریال از طریق پرداخت آنلاین وبگاه اینترنتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس به آدرس www.iauba.ac.ir

۵- مهلت فروش و عودت اسناد ۱۵ روز از تاریخ انتشار آگهی می‌باشد.

۶- **محل دریافت اوراق:** به‌صفحه اصلی تارنمای دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس به آدرس www.iauba.ac.ir نموده و در قسمت اطلاعیه‌ها بعد از مطالعه راهنمای مندرج و پرداخت مبلغ مشخص شده به‌صورت آنلاین می‌توانید اسناد و مدارک مورد نیاز دریافت نمایید و تسلیم پاکت: دبیرخانه طبقه همکف ساختمان مرکزی

۷- هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

۸- مناقصه گذار در رد و قبول پیشنهادات اختیار کامل دارد.

۹- سایر شرایط مطابق اسناد مناقصه می‌باشد.

۱۰- محل انجام موضوع مناقصه دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس می‌باشد.

۱۱- جهت هماهنگی برای بازدید از محل باید در اخذ انجام کار و اخذ توضیح بیشتر در طول مدت آگهی، به مرکز حراست این دانشگاه، مراجعه شود.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر در نظر دارد یک‌پاک منزل مسکونی به متراژ ۲۵۰ متر و زیربنای کل ۱۴۰ مترمربع واقع در ناحیه صنعتی را از طریق مزایده عمومی و به شرح مندرج در اسناد مزایده به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط و اگذار نماید. لذا متقاضیان شرکت در مزایده می‌توانند با واریز و ارائه فیش بانکی به مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بیست میلیون ریال) به عنوان سپرده شرکت در مزایده (به‌صورت جداگانه) به حساب جاری سیبا ۰۱۰۳۸۶۹۲۴۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر اقدام نمایند و به مدت ۱۰ روز پس از تاریخ درج آگهی جهت دریافت و عودت اسناد مزایده به‌امور اداری دانشگاه مراجعه نمایند. ضمناً هزینه درج آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار و ارائه بیشترین پیشنهاد ملاک عمل جهت انتخاب برنده نبوده و بنا بر صرفه و صلاح دانشگاه اقدام خواهد شد. و کلیه پیشنهادات مبهم و مشروط مردود خواهد بود. شرکت در مزایده و دادن پیشنهادات به‌منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه گذار است. جهت کسب اطلاعات بیشتر با **شماره تلفن: ۰۶۱۰۵۲۳۷۲۶۸۵** تماس حاصل فرمایید.

مبلغ پایه: ۱- و دویعه ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۲- اجاره ماهانه: ۱۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال

آدرس: ماهشهر- بلوار امام خمینی (ره)- خیابان دانشگاه- دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر- امور اداری

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر در نظر دارد ساختمان قدیم دانشگاه واقع در ناحیه صنعتی (قسمت چهارم) را از طریق مزایده عمومی و به شرح مندرج در اسناد مزایده به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط و اگذار نماید. لذا متقاضیان شرکت در مزایده می‌توانند با واریز و ارائه فیش بانکی به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (چهل میلیون ریال) به عنوان سپرده شرکت در مزایده (به صورت جداگانه) به حساب جاری سیبا ۰۱۰۳۸۶۹۲۴۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر اقدام نمایند و به مدت ۱۰ روز پس از تاریخ درج آگهی جهت دریافت و عودت اسناد مزایده به‌امور اداری دانشگاه مراجعه نمایند. ضمناً هزینه درج آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار و ارائه بیشترین پیشنهاد ملاک عمل جهت انتخاب برنده نبوده و بنا بر صرفه و صلاح دانشگاه اقدام خواهد شد. و کلیه پیشنهادات مبهم و مشروط مردود خواهد بود. شرکت در مزایده و دادن پیشنهادات به‌منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده گذار است. جهت کسب اطلاعات بیشتر با **شماره تلفن: ۰۶۱۰۵۲۳۷۲۶۸۵** تماس حاصل فرمایید.

آدرس: ماهشهر- بلوار امام خمینی (ره)- خیابان دانشگاه- دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر- امور اداری

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر

صدای نخبگان، نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان
WWW.FDN.IR
@farhikhtegandaily

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضا در نظر دارد تعدادی از اموال اسقاطی و مازاد خود را از طریق برگزاری مزایده به فروش رساند، لذا از اشخاص واجد شرایط جهت شرکت در مزایده دعوت به عمل می‌آید. متقاضیان از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری می‌توانند با واریز مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۶۰۵۰۰۵۷۲۳۶۵۰۱۰ بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی بیضا و یا ارائه اصل فیش نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام و در زمان مقرر پیشنهاد خود را تسلیم نمایند. سایر شرایط در اسناد مزایده درج می‌گردد. ضمناً دانشگاه آزاد اسلامی بیضا در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

آدرس: بیضا- دانشگاه آزاد اسلامی بیضا تلفن تماس: ۳۶۷۸۳۳۶۲

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضا